

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد قراگوزلو

۰۵ جنوری ۲۰۱۶

اقتصاد سیاسی تقابل ایران و عربستان!

در آمد: جنگ مذهبی؟

اعدام شیخ نمر، حمله به سفارت عربستان و متعاقب آن قطع روابط دیپلماتیک به ابتکار سعودی ها بحران خاورمیانه را وارد برهه تازه ای کرده است. خلاف مباحثی که زمینه های نزاع ایران – عربستان را در زمین اختلافات مذهبی و ایدئولوژیک یافته و از جنگ هفتاد و دو ملتی سنی- شیعه فراتر نرفته؛ نگارنده مایل است در این مجال از یک دریچه واقعی وارد تبیین این تقابل شود. بی گمان زد و خورد تفسیری از اسلام در میانه این دعوا – که حالا به یک جنگ نیابتی در سوریه و یمن تبدیل شده – می تواند بیانگر گوشه ای از واقعیت باشد اما اگر مبنا به تمامی بر پایه تحلیل "جنگ مذهبی" تعریف شود آن گاه عربستان و متحدانش به جای ایران باید به مقابله با اسرائیل بروند که علاوه بر شکاف های عمیق مذهبی و تاریخی مسائل حل نشده ارضی نیز دارند. در نتیجه چنان که استدلال خواهم کرد بستر اصلی این مناقشه سیاسی است و از آن جا که ما سیاست و اقتصاد را از هم تفکیک نمی کنیم به این اعتبار باید از اقتصاد سیاسی تقابل ایران و عربستان سخن گفت.

هر یک از نکاتی که در این مجال به اجمال گفته خواهد شد؛ خود سرفصل مباحث وسیعی است که می تواند دستمایه مقالات مستقلی قرار گیرد. همه فاکت ها و استدلال های من بر مبنای اثبات عنوان یاد داشت تبیین پذیر است.

اول. خلاء یک قدرت هژمون.

چنان که دانسته است انقلاب بهمن [دلو] ۵۷ و سقوط شاه، منطقه وسیع منا را از یک قدرت برتر سیاسی نظامی تخلیه کرد. تا این برهه ایران به تعبیر شاه "جزیره آرامش" بود. از آن جزیره تحت عنوان "ژاندارم منطقه" نیز یاد شده است. در متن این ترم سیاسی واقعیات مهمی نهفته است. تا آن برهه – و به ویژه بعد از معاهده کمپ دیوید- غالب قدرت های برتر منطقه متحد امریکا و همپیمان شاه بودند. پاکستان، افغانستان، ترکیه، عربستان و یارانش در کنار مصر و اسرائیل بلوک یکپارچه ای را ساخته بودند که سه دولت عراق، سوریه و لیبیا را یارای رقابت با آنان نبود. به ویژه که تأثیر منفی رکود اقتصاد شوروی- از دوران برژنف به بعد- بر کل این بلوک واضح بود. امری که عراق را نرم نرمک به سمت اروپا می راند. خروج شاه این ائتلاف را دچار سرگیجه کرد. پاکستان بعد از اعدام بوتو و با وجود اتمی شدن دچار یک بی ثباتی دامنه دار گردید. ترکیه در مسیر کودتاها پی در پی هرگز در اندازه ایفای نقش جایگزین شاه نبود.

جنگ عراق – ایران هر دو دولت را تا یک دهه از رقابت های گسترده منطقه یی بیرون راند و به شدت تضعیف کرد. مصر حسنی مبارک فاقد اتوریته لازم در میان اعراب بود و....

دوم. نظام نو جهانی....

دکترین نظام نو جهانی – که به اشتباه "نظم نوین جهانی" ترجمه شده- منطقه خاورمیانه را وارد عصر جدیدی کرد. عصری که سیمای آن با فروپاشی شوروی و یکه تازی امریکای رونالد ریگان و عروج القاعده در افغانستان و اجرای راهبرد موسوم به "کمر بند سبز" برژینسکی ترسیم تواند شد. در این برهه خلاء یک قدرت هژمون منطقه یی با دخالت سیاسی و حضور نظامی امریکا جبران می شود. "ج. ا." با دولت رفسنجانی وارد دوران "تعدیل ساختاری" شده و سودای ادغام در اقتصاد سیاسی سرمایه داری غرب در متن تناقض های حکومتی به بن بست خورده است. دولت عراق پس از خروج از باتلاق کویت با تحریم های کمرشکن به شدت ضعیف شده است. ترکیه درگیر کشمکش های داخلی است. عربستان و قطر هنوز قادر به ایفای نقش های فرامرزی مؤثر نیستند. مضاف به این که دولت پراگماتیست رفسنجانی توانسته شکاف های ناشی از کشتار حجاج ایرانی را پر کند و این سیاست رهبر پیشین را که "اگر از صدام بگذریم، اگر.... اگر جنایت های امریکا را فراموش کنیم.... از آل سعود نخواهیم گذشت" پشت سر بگذارد. آل سعود به تدریج تبدیل به برادر بزرگی می شود که به اعتبار خاطرات رفسنجانی "باید خلاف سنت های دیپلماتیک به خدمت امیر عبدالله رسید. هر چند نوبت او بوده باشد...." نقل به مضمون! دوران خاتمی نیز با یک معاهده نیمچه امنیتی میان "ج. ا." و عربستان سپری می شود. هنوز و با وجود خلاء قدرت رقابت های منطقه ئی برای هژمونی آغاز نشده است. حتا "احمدی نژاد" هم با این که رسماً دعوت نشده است به بهانه مراسم حج به "تک پا" به عربستان مشرف می شود و دست در دست امیر عبدالله می نهد!

سوم. آغاز جدال....

یکی از مهم ترین عوارض بحران اقتصادی ۲۰۰۸- که در کتابی از همین قلم تحت عنوان "بحران" تبیین شده- افول هژمونی جهانی امریکا به همراه اعتلای دو قدرت سیاسی اقتصادی روسیه و چین بوده است. شکست تمام عیار امریکا در افغانستان و سازمان یابی و تقویت مجدد القاعده یک فاکت است. شکست امریکا در عراق و واگذاری معنی دار این کشور به ایران فاکتی فراتر از شکست نظامی است. به دنبال این افول همه سویه و خروج نظامی امریکا از منطقه به تدریج قدرت های منطقه ئی سر بلند کردند. "ج. ا." که با پروه هسته ئی اش قصد داشت به قدرت برتر منطقه تبدیل شود، یک پای این صف بندی های جدید است. ترکیه با حزب عدالت و توسعه در سودای تجدید دوران امپراتوری عثمانی پای دیگر این جنگ است و در کنار خود عربستان و قطر را نیز به همراه می کشد. میدان این جنگ از بطن اوپیک و تولید و حراج نفت ارزان تا شهرها و بیابان های سوریه و عراق و یمن گسترده است.

به طور مشخص سوت این جنگ بعد از آغاز جنبش نان و آزادی به صدا در آمد. جنبشی که در ادبیات ژورنالیستی از آن به "بهار عربی" یاد شده است. عروج اخوان المسلمین در مصر به نخستین صف بندی های جدید منطقه دامن زد. در متن این تحولات بود که حماس از ایران و سوریه جدا شد و به ترکیه و قطر پیوست. مصر با کودتای شبه انتخاباتی نظامیان به سرعت در همان مکان حسنی مبارک ایستاد. جامعه مدنی و سکولار تونس در میانه راه جنبش حساب خود را از اخوانی های راشد الغنوشی جدا کرد و موقتاً آرام گرفت. عراق نوری مالکی را قربانی کرد اما در گرداب تعارضات و تناقض های فراوان طبقاتی و قومی گیر کرد و کماکان یک پای منازعه است. اما جنگ اصلی برای

هژمون شدن در سوریه در گرفت. در اوج این کشمکش ها "ج.ا." در متن یک عقب نشینی آشکار گریبان خود را از شر پرونده هسته ئی آزاد کرد. در مواجهه با این توافق فقط اسرائیل نبود که بر سر امریکا غرو لند زد. عربستان هم بود. نزدیک شدن این دو کشور یک صف بندی جدید به شمار می رود. از درون تلاش بلوک غرب و متحدانش برای مصادره جنبش های نان و آزادی "داعش" و "النصرة" و "جبهه اسلامی" و "ارتش آزاد" و سایر گروه های تروریستی بیرون آمده است که مهارشان از دست صاحبان و سازندگان شان نیز تا حدودی خارج شده است. ظاهر قضیه این است که داعش برای ایجاد "خلافت اسلامی" مشغول شیعه کشی است، اما قتل عام ده ها هزار سنی و کرد و ایزدی و مسیحی مؤید این است که جنگ بر فراز تمایلات مذهبی دولت ها و دسته جات تروریست جاری است. جنگی که حوادث یا شایعاتی مانند "ترور" سفیر سابق عربستان در امریکا (وزیر خارجه کنونی) نمی توانست به آن دامن بزند، اینک در ادامه به شکست کشاندن جنبش نان و آزادی و برای گسترش قلمرو نفوذ شکلی واقعی یافته است.

مرکز اصلی این جنگ سفارت عربستان در واشنگتن و تهران و مشهد یا اعدام شیخ نمر و غیره نیست. حتا یمن هم نیست به عبارتی! این جنگ در حال حاضر و تا اطلاع ثانوی دو محور اصلی دارد. سوریه و بازار نفت. شکست در هر یک از این دو جبهه به ویژه بازار نفت می تواند دخل دولت مغلوب را بیاورد. جنگ ایران و عربستان – و حامیان و متحدان شان- در این دو عرصه ره یافتنی است. سایر اختلافات از جمله مناقشات فرقه ئی – مانند کشتار حاجیان ایرانی و منا و برائت از مشرکین- و شایعه ترور سفیر سابق و وزیر کنونی و اعدام شیخ نمر و کوکتل مولوتوف های فرود آمده در سفارت و... با چند لبخند آقایان جبیر و ظریف به سادگی قابل حل است!

محمد قراگوزلو. تهران. دوشنبه ۱۴ دی [جدی] ۱۳۹۴